

## بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان زنجان<sup>۳</sup>

فریبا دمرچیلی\*

عبدالحسین رسولنژاد\*\*

**چکیده:** مسأله مورد بررسی در این پژوهش بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان زنجان است. شاخص‌های به کار رفته برای اندازه‌گیری ذهنیت فلسفی عبارتست از: جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری که ارتباط این شاخص‌ها با میزان خلاقیت استادان مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش، استادان دانشگاه‌های آزاد استان زنجان (N=۴۴۰) نفر بوده، نمونه مورد نظر از طریق نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای انتخاب گردیده است (N=۲۱۰). در پژوهش مورد نظر برای جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسش‌نامه‌ی؛ خلاقیت، ذهنیت فلسفی، استفاده شده است که هر دو استاندارد بوده و ضریب روایی آنها به ترتیب ۸۱٪ و ۸۰٪ برآورده گردیده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در بخش آمار توصیفی از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و در بخش آمار استنباطی به منظور بررسی رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی و برای مقایسه میانگین‌ها در متغیرهای گروه‌بندی نظیر جنس و رشته تحصیلی از آزمون T مستقل استفاده گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛  
- با توجه به سطح معناداری (p < ۰/۰۱) می‌توان با اطمینان ۰/۹۹ پذیرفت که بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت استادان رابطه معناداری وجود دارد.  
- بین سه شاخص ذهنیت فلسفی یعنی جامعیت، تعمق، انعطاف‌پذیری، با خلاقیت رابطه آماری معناداری وجود دارد.  
- مقایسه انجام گرفته به وسیله آزمون T مستقل نشان می‌دهد در رشته علوم انسانی و علوم پایه بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت استادان تفاوت معناداری وجود ندارد.  
- مقایسه‌های انجام گرفته به وسیله آزمون T مستقل با ۰/۰۵ > p نشان می‌دهد بین میزان خلاقیت استادان زن و مرد تفاوت معناداری وجود ندارد. اما با ۰/۰۱ > p ذهنیت فلسفی در مردان بیشتر از زنان است.

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خدابنده (زنجان) F.D@Khaiu.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد مدیریت دولتی، رئیس دانشگاه آزاد خدابنده Rasooli - nezhad@yahoo.com

۳- این طرح پژوهشی با اعتبارات مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خدابنده انجام شده است.

- در بین شاخص‌های ذهنیت فلسفی نیز تنها عاملی که باعث ایجاد تفاوت شده شاخص تعمق است، به طوری که مردان به شکل معناداری تعمق بیشتری از زنان داشتند، اما انعطاف‌پذیری و جامعیت زنان و مردان تفاوت معناداری با یکدیگر نداشته است.

**واژه‌های کلیدی:** ذهنیت فلسفی، جامعیت، تعمق، انعطاف‌پذیری، خلاقیت، اعضای هیأت علمی

### مقدمه

بی‌شک یکی از زیباترین ویژگی‌های انسان، قدرت آفرینندگی و خلاقیت اوست. به کمک همین ویژگی است که انسان می‌تواند اهداف آرمانگرایانه خود را تحقق بخشیده و توانایی‌های خود را شکوفا سازد. صمد آقایی (۱۳۸۳) خلاقیت را فرایند ایجاد هر چیز جدید با ارزش تعریف می‌کند. برخی افراد می‌پندارند که خلاقیت خصوصیت ذاتی شمار معدودی از انسان‌هاست که با این توانایی متولد می‌شوند. در صورتی که ثابت شده است این استعداد در نوع بشر به مثابه حافظه عمومیت داشته و می‌توان آن را با کاربرد اصول و روش‌های معین پرورش داد. پیشرفت روزافزون جامعه بشری در ابعاد مختلف، گویای این واقعیت است که در گرو خلق اندیشه‌های نو و تحول در نظام‌های آموزشی است که علم و تکنولوژی به سرعت پیشرفت کرده و افراد خلاق در این پیشرفت و تحول عظیم نقش کلیدی و تعیین‌کننده داشته‌اند. از آنجا که امروزه تعلیم و تربیت به‌عنوان اساسی‌ترین عامل رشد و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و اجتماعی اهمیت به‌سزایی پیدا کرده، مسئولیت مسئولان آموزشی نیز بیشتر شده است. توانایی فکری و خلاقیت مسئولان آموزشی در جهت بهبود کیفیت آموزشی از مهم‌ترین ویژگی‌های آنان محسوب می‌شود. تفکر صحیح و منطقی مری آموزشی را می‌توان منوط به داشتن ذهنیت فلسفی او دانست، ذهن فلسفی فرد را می‌توان از طرز تفکر، نحوه برخورد با مسائل و گرایش و خصوصیات فکری او شناخت که در جنبه‌های مختلف رفتار او به چشم می‌خورد. ذهن فلسفی به فرد بینش و دانشی می‌دهد تا بتواند در مواجهه با مسائل از تنگ نظری، خود محوری و یک جانبه نگری مصون بماند و همچنین به او کمک می‌کند تا با شناخت و معرفت لازم درباره امور به‌طور منطقی تصمیم بگیرد. در واقع می‌توان گفت ارزش هر انسان در نیکو اندیشیدن اوست از این‌رو تفکر و مهارت درست اندیشیدن از جمله مسائل مهمی است که از دیرباز ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده است (هاشمی، ۱۳۸۳). مسأله اساسی تربیت، تفکر می‌باشد که برای پرورش آن ابزارهایی لازم است، یکی از این ابزارها داشتن ذهن فلسفی است که افراد را در تفکر صحیح و منطقی کمک می‌کند. در خصوص

ذهن فلسفی میرکمالی (۱۳۷۹) معتقد است تفکر منطقی اساس کار فرد است و فرد باید با تفکر منطقی از شناسایی مسأله تا پیدا کردن راه‌حل‌های مناسب برای مشکلات پیش برود و این کار امکان‌پذیر نیست مگر این‌که از خصوصیات تفکر منطقی برخوردار باشد. تفکر منطقی حاصل داشتن ذهن فلسفی است.

اسمیت (۱۹۶۵، به نقل از بهرنگی، ۱۳۸۲) ذهنیت فلسفی را توانایی‌ها و ویژگی‌های ذهن می‌داند که به تفکر صحیح فرد کمک می‌کند و او را به قضاوت‌های صحیح عادت می‌دهد. او برای ذهن فلسفی سه بعد؛ جامعیت<sup>۱</sup>، تعمق<sup>۲</sup> و انعطاف‌پذیری<sup>۳</sup> قائل شده است و برای هر بعد چهار خصوصیت را بیان کرده که در این پژوهش ذهن فلسفی از این سه بعد بررسی خواهد گردید.

- **جامعیت:** نشانه‌های این بعد آن است که: ۱- فرد موارد خاص را در یک زمینه وسیع باهم مرتبط ساخته و سعی می‌کند تصویر بزرگ را ببیند. ۲- در برخورد با مسائل، رابطه آنها را با اهداف اساسی یا ایده‌آل‌ها و آرمان‌هایی که تحقیق آنها در آینده امکان دارد در نظر می‌گیرد. ۳- برای ارائه نظریات قابل تعمیم می‌کوشد اما این نظریات را از مطالعه همه جزئیات و جمع‌آوری خصوصیات مشترک آنها استخراج نمی‌کند، بلکه از طریق بررسی و تحلیل چند مورد یک قاعده کلی به دست می‌آورد. ۴- در مقابل عقاید و افکار مختلف سعه صدر نشان می‌دهد.

- **انعطاف‌پذیری:** نشانه‌های این جنبه از ذهن فلسفی عبارتند از: ۱- فرد دچار جمود روان شناختی نمی‌شود، عقاید و افکار را بدون آنکه تحت تأثیر منابع آنها قرار بگیرد، ارزیابی می‌کند. ۲- مسائل را از جهات متعدد بررسی می‌کند و بین امور متناقض و متضاد تفاوت قائل می‌شود. ۳- در قضاوت‌ها جنبه احتیاط را رعایت می‌کند و از قطعی و یقینی کردن عقاید پرهیز می‌نماید.

- **تعمق:** نشانه‌های این بعد شامل آن است که فرد: ۱- اموری را که برای دیگران مسلم فرض می‌شود مورد سؤال قرار می‌دهد. ۲- با ژرف‌اندیشی جنبه اساسی مسائل را تشخیص می‌دهد و در برخورد با هر نظریه اصول و مبانی آن را تشخیص می‌دهد. ۳- از آنچه می‌بیند چیزهای نامحسوس را استخراج می‌کند و به معنای تلویحی و ربط امور حساس می‌باشد. ۴- از روش قیاسی به جای روش استقرایی استفاده می‌کند (شریعتمداری، ۱۳۷۷).

کایزر<sup>۴</sup> (۱۹۸۶) خلاقیت را به معنای به‌کارگیری توانایی‌های ذهن برای ایجاد یک فکر جدید می‌داند. میچل<sup>۵</sup> (۱۹۹۱) یکی از ویژگی‌های افراد خلاق را تفکر منطقی آنها می‌داند و می‌گوید

1- Comprehensive  
2- Flexibility  
3- Michael

2- deep thinking  
4- Kaiser

اگر چه افرادی که فکر خلاق دارند خود را محصور در یک فکر نمی‌کنند و فکرهای مختلف را از زوایای متفاوت در ذهن بررسی می‌کنند ولی همواره دارای فکر اصولی و منطقی هستند. آنها به دنبال علت و معلول‌ها می‌گردند و تفکرشان بر اصول منطقی استوار است.

علیرغم اهمیت ذهن فلسفی و خلاقیت و رابطه بین این دو مقوله پژوهشگران کشور ما کمتر به این موضوع پرداخته‌اند. از این رو پرسش‌های زیادی در این زمینه بی‌پاسخ مانده است. پرسش‌هایی مانند این که اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها از نظر ذهنیت فلسفی و خلاقیت در چه وضعیتی قرار دارند؟ آیا بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت آنها رابطه‌ای وجود دارد و چگونه می‌توان توانایی‌های مرتبط با ذهنیت فلسفی و خلاقیت اعضای هیأت علمی را تقویت کرد؟

با توجه به موارد بالا در پژوهش حاضر این مسأله بررسی می‌شود که ویژگی‌های ذهن فلسفی اعضای هیأت علمی به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی در سیستم دانشگاهی تا چه میزان با خلق اندیشه‌ها و ایده‌های نو (خلاقیت) آنها رابطه دارد؟

با پیشرفت روزافزون و پیچیدگی جوامع و وقوع تغییرات سریع علمی، صنعتی و اجتماعی، پیش‌بینی دانش‌ها و مهارت‌های ضروری برای زندگی آینده مشکل شده است و به‌عبارتی نمی‌توان به گذشته به‌عنوان راهنمای آینده تأکید داشت. در چنین شرایطی نظام‌های آموزشی ناچارند با کنار گذاشتن شیوه‌های سنتی تعلیم و تربیت نظیر جهش‌های تحصیلی، انباشت اطلاعات، مدرک‌گرایی و اهتمام به تربیت انسان‌های هم‌رنگ، آموزش و پرورش خلاق را گسترش داده و به تربیت نسلی اقدام نمایند که در شرایط ناآشنای آینده و در برخورد با موضوعات و مشکلات جدید، قادر باشند به‌صورت مستقل اندیشیده و اقدام به تصمیم‌گیری نمایند.

در نظام‌های آموزشی استادان دانشگاه‌ها یکی از مهم‌ترین عناصری هستند که در کارآیی درونی و بیرونی سازمان‌های آموزشی ایفای نقش می‌کنند و به‌نظر می‌رسد برخورداری از ذهن فلسفی و تفکر منطقی استادان تأثیر بسزایی در زندگی تک‌تک دانشجویان خواهد داشت. طرز تفکر، برخورد با مسائل و گرایش و خصوصیات فکری استادان دور از چشم دانشجو نخواهد ماند و دانشجویان به‌عنوان ثمره‌های دانشگاه تحت تأثیر ایده‌ها و فکرهای گوناگون وارد جامعه خواهند شد و در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به فعالیت خواهند پرداخت. بنابراین تأثیر نگرش و تفکر استادان بر دانشجو بسیار ملموس و تعیین‌کننده است. اهمیت دیگر پژوهش اینکه آگاهی استادان از نقش اساسی ذهنیت فلسفی و خلاقیت خود و تأثیر آنان در زندگی دانشجویان، استادان را به تقویت این دو مقوله وادار کرده و همچنین به مسئولان دانشگاهی خاطر

نشان خواهد ساخت که برای تقویت خلاقیت و ذهنیت فلسفی استادان زمینه‌های لازم فراهم گردد که این امر به نوبه خود در بهبود فرایند یاددهی و یادگیری و بالا بردن کیفیت آموزشی مؤثر خواهد بود. با توجه به اهمیت مسائل ذکر شده پژوهش بسیار اندکی در تبیین رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت استادان صورت گرفته، لذا ضرورت انجام این تحقیق بیش از پیش آشکار می‌گردد.

در بررسی پیشینه تحقیقات مربوط به خلاقیت با فعالیت‌های گروهی از محققین روبرو می‌شویم که تلاش خود را معطوف به مطالعه در زمینه نقش عوامل بیرونی نظیر پاداش و انگیزه در عملکرد خلاق نموده‌اند، در این زمینه شوماخر<sup>۱</sup> و اسپلر<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۵ از تحقیقات خود چنین نتیجه‌گیری کردند که اگر به آزمودنی‌ها گفته شود که در یک آزمون خلاقیت شرکت دارند، نمرات آنها در این آزمون افزایش خواهد یافت (هاشمی، ۱۳۸۳).

- مک کینون<sup>۳</sup> (۱۹۶۲) در پژوهشی به بررسی نگرش افراد خلاق نسبت به خودشان پرداخت. افراد خلاق در پاسخ به پرسش‌نامه صفات گوف تصویر مثبتی از خود نشان دادند. این تحقیق بر روی مهندسان معمار، مدیران و هنرمندان خلاق انجام گرفت. نتایج به‌دست آمده عبارت بود از این که هر یک از گروه‌های مورد بررسی صفاتی را در وصف خود ابراز داشتند، مهندسان معمار خود را فعال، مبتکر، هنرمند و باهوش وصف نمودند و مدیران خود را افرادی منطقی، پرکار، دارای روح همکاری، سازگار، منعطف، دارای علایق گوناگون و شجاع توصیف کردند (هاشمی، ۱۳۸۳: ۴۵).

- اسمیت (۱۹۶۵) به منظور بررسی تأثیر ذهنیت فلسفی بر روابط انسانی مطلوب و میزان خلاقیت مدیران و همچنین بر روحیه کارکنان مدارس ویرجینیا پژوهشی انجام داد. نمونه آماری از مدیران ۴۶ مدرسه در این ایالت انتخاب شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین ذهنیت فلسفی مدیران با روابط انسانی مطلوب و میزان خلاقیت مدیران و نیز با روحیه کارکنان رابطه مستقیم وجود دارد. در این پژوهش بین ویژگی‌هایی مانند سن، سنوات خدمت و تحصیلات مدیران با ذهنیت فلسفی آنها تفاوت معنی‌داری دیده نشد؛ اما تفاوت بین میانگین نمرات خلاقیت در دو گروه زن و مرد معنی‌دار بود. معلمان در این پژوهش معتقد بودند که با مدیران دارای ذهن فلسفی بالا، راحت‌تر به توافق می‌رسند.

1- Schumacher  
3- Mack kinnon

2- Speller

– فورد<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) در رابطه با دیدگاه مدیران درباره عوامل مهم خلاقیت در سازمان‌های آموزشی آمریکا پژوهشی انجام داد. در مرحله اول دیدگاه ۱۶۹ مدیر در مورد عوامل مهم خلاقیت مورد بررسی قرار گرفت در مرحله دوم ۴۶ مدیر به صورت غیرمستقیم مورد آموزش قرار گرفتند که تفاوت آشکاری بین دیدگاه اول و دیدگاه بعد از آموزش مشاهده شد. نتیجه نشان داد که بین مدرک تحصیلی مدیران و خلاقیت آنها رابطه وجود دارد؛ یعنی هرچه مدرک تحصیلی مدیران بالاتر می‌رفت، خلاقیت آنها بیشتر می‌شد. البته ارتباط مستقیم ناشی از آموزش‌های پرورش خلاقیت در کنار تحصیلات بود.

نتایج پژوهش‌هایی که به طور مختصر ارائه شد، مربوط به پژوهش‌هایی بود که در برخی کشورها انجام گردیده بود. حال به تحقیقاتی که در داخل کشور در زمینه خلاقیت و ذهنیت فلسفی و رابطه بین این دو متغیر انجام گردیده، پرداخته می‌شود.

– اسحاقیان (۱۳۷۲) پژوهشی با عنوان «میزان حاکمیت ابعاد روح فلسفی در مدیران آموزشی مقطع متوسطه شهر اصفهان» انجام داده، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که مدیران را می‌توان بر اساس میزان برخورداری از روح فلسفی طبقه‌بندی کرد. اگر چه در تمام ابعاد روح فلسفی نمرات زنان بیشتر از مردان بود، اما بین سن و میزان روح فلسفی مدیران زن و مرد تفاوت معناداری وجود نداشت. همچنین بین روح فلسفی و علاقه شغلی همبستگی زیادی وجود داشت.

– خرقانیان (۱۳۷۲) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه ذهنیت فلسفی مدیران با روحیه معلمان آنان در مدارس راهنمایی منطقه پنج شهر تهران» انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد معلمانی که با مدیران دارای ذهنیت فلسفی بالا کار می‌کردند از روحیه معلمانی که با مدیران دارای ذهنیت فلسفی پایین کار می‌کردند، بالاتر بود.

– بندلی‌زاده (۱۳۷۶) در پژوهشی با عنوان «تأثیر ذهنیت فلسفی بر کارآیی مدیران متوسطه شهرستان دامغان» به این نتایج دست یافت که بین ذهن فلسفی مدیران و کارآیی آنان رابطه وجود دارد. اما بین ویژگی‌های سن، جنس و رشته تحصیلی مدیران با ذهنیت فلسفی آنها تفاوت معناداری مشاهده نشد.

– فرهنگ (۱۳۷۷) پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر خلاقیت مدیران شرکت روغن نباتی پارس» در شهر تهران انجام داد و به این نتیجه دست یافت که بین سن و خلاقیت مدیران و همچنین بین میزان تحصیلات و خلاقیت آنان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

1- Ford

- فخرالسادات سیف هاشمی (۱۳۸۳) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران مدارس متوسطه شهر اصفهان» انجام داده، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت مدیران رابطه مثبتی وجود دارد، همچنین بین هر یک از ابعاد ذهنیت فلسفی (تعمق، جامعیت، انعطاف پذیری) با خلاقیت رابطه دیده می‌شود. بین ذهنیت فلسفی و ابعاد آن و خلاقیت مدیران با توجه به متغیرهایی مانند سن، خدمت، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی و نوع مدرسه دولتی و غیر انتفاعی تفاوت معناداری مشاهده نگردید، اما بین ویژگی جنسیت و خلاقیت مدیران تفاوت معناداری مشاهده شد. بدین صورت که خلاقیت در مدیران زن بیشتر از مدیران مرد بود.

با توجه به اهمیت موضوع و رابطه بین دو متغیر ذهنیت فلسفی و خلاقیت بین استادان دانشگاه‌های آزاد استان زنجان و با توجه به اینکه چنین پژوهشی با جامعه آماری مورد نظر صورت نگرفته است، در پژوهش حاضر به بررسی این دو مقوله و رابطه آنها در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد استان زنجان پرداخته خواهد شد.

محقق درصدد بررسی تعیین رابطه دو متغیر ذهنیت فلسفی و خلاقیت اعضای هیأت علمی می‌باشد.

هدف کلی این پژوهش تعیین رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد استان زنجان می‌باشد.

#### سؤالات پژوهش:

- آیا بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد استان زنجان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین ابعاد ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد زنجان بر اساس ویژگی‌های دموگرافیک (جنسیت و رشته تحصیلی) تفاوت وجود دارد؟
- آیا بین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد استان زنجان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین بعد تعمق ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد استان زنجان رابطه وجود دارد؟

- آیا بین بعد انعطاف‌پذیری ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد استان زنجان رابطه وجود دارد؟

### روش

با در نظر گرفتن ماهیت و هدف پژوهش، یعنی بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی اعضای هیأت علمی با خلاقیت آنها روش تحقیق حاضر توصیفی-پیمایشی انتخاب شده است.

### جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری این پژوهش را اعضای هیأت علمی پاره وقت و تمام وقت دانشگاه‌های آزاد استان زنجان که شامل ۴۴۵ نفر می‌باشد، تشکیل می‌دهد. با توجه به جدول مورگان جامعه‌ی آماری ۴۴۵ نفره تعداد نمونه‌ها ۲۱۰ نفر می‌باشد که نمونه‌گیری به صورت تصادفی - طبقه‌ای انجام می‌گیرد. از ۲۱۰ استاد ۶۸ نفر استاد زن و ۱۰۴ نفر استاد مرد نمونه مورد نظر را تشکیل داده و در رشته‌های علوم پایه و انسانی توزیع گردیده‌اند.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل از طریق نرم افزار کامپیوتر SPSS و در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام خواهد گرفت. در سطح آمار توصیفی از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، میانگین، درصد، واریانس و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از ضریب همبستگی جهت همبستگی بین متغیرهای ذهنیت فلسفی و خلاقیت، آزمون  $t$  مستقل، آزمون تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره استفاده خواهد شد.

این پژوهش بین سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۷ بین دانشگاه‌های آزاد استان زنجان انجام گردیده است.

### ابزار پژوهش

روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی خواهد بود. بخش ادبیات و مبانی نظری توسط کتب، نشریات و مجلات فارسی و انگلیسی و اینترنت شکل می‌گیرد و بخش میدانی شامل دو قسمت پرسش‌نامه در زمینه خلاقیت و ذهنیت فلسفی خواهد بود که در میان اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد استان زنجان توزیع می‌گردد، این دو پرسش‌نامه استاندارد بوده و ضریب روائی و پایایی آنها به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۰ برآورد گردیده است که هر کدام با ۳۰ گویه و بر اساس مقیاس



۵ درجه ای طیف لیکرت تنظیم شده است. پرسش نامه ذهنیت فلسفی دارای ۳ بعد جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری بر اساس مدل اسمیت جهت سنجش ذهنیت فلسفی و پرسش نامه خلاقیت بر اساس ویژگی های افراد خلاق و از تلفیق پرسش نامه رادوسپ<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) و انجمن خلاق آمریکا<sup>۲</sup> توسط خانم فخرالسادات سیف هاشمی تهیه و تنظیم گردیده است.

## یافته ها

سؤال پژوهش: رابطه ی ذهنیت فلسفی با خلاقیت

جدول ۱: آزمون کولموگروف اسمیرنوف جهت مقایسه ی توزیع داده ها با توزیع طبیعی

| خلاقیت        | ذهنیت فلسفی | جامعیت | تعمق  | انعطاف پذیری |
|---------------|-------------|--------|-------|--------------|
| ارزش Z        | ۰/۷۷۶       | ۰/۹۱۳  | ۰/۷۲۰ | ۱            |
| سطح معنی داری | ۰/۵۱۴       | ۰/۳۷۵  | ۰/۶۷۷ | ۰/۲۶۴        |

جدول ۱ آزمون کولموگروف اسمیرنوف جهت تطابق توزیع داده های متغیرهای وابسته با توزیع نرمال آورده شده است. طبق داده های این جدول هیچ یک از توزیع های خلاقیت، ذهنیت فلسفی، جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری تفاوت معنی داری با توزیع طبیعی ندارند، لذا می توان در تجزیه و تحلیل این داده ها از آزمون های پارامتریک استفاده نمود.

سؤال اول پژوهش: آیا بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیأت علمی دانشگاه های آزاد استان زنجان رابطه وجود دارد؟

جدول ۲: همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه ی ذهنیت فلسفی و خلاقیت

| همبستگی پیرسون | خلاقیت    |
|----------------|-----------|
| ضریب همبستگی   | ۰/۵۱۷     |
| ذهنیت فلسفی    | معنی داری |
|                | تعداد     |
|                | ۱۷۲       |

جدول ۲ نیز همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه ی ذهنیت فلسفی و خلاقیت را نشان می دهد. طبق داده های این جدول این دو متغیر دارای رابطه ای مثبت با یکدیگر بوده و با افزایش هر یک متغیر دیگر نیز افزایش پیدا می کند. مقدار این رابطه نیز ۰/۵۱۷ می باشد و با توجه به سطح

1- Raudsepp

2- Association USA creativity Questionnaire

معنی‌داری ( $p < 0/01$ ) می‌توان با اطمینان ۹۹٪ این رابطه را پذیرفت. جهت قضاوت دقیق‌تر در رابطه با مقدار رابطه‌ی این دو متغیر از ضریب تعیین استفاده می‌نماییم که در مورد این دو متغیر برابر با  $r^2 = 0/267$  می‌باشد. این مقدار ضریب تعیین بدین معنی است که دو متغیر ذهنیت فلسفی و خلاقیت دارای ۲۷٪ واریانس مشترک می‌باشند.

سؤال دوم پژوهش: آیا بین بعد جامعیت و خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد؟

جدول ۳: همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه‌ی جامعیت و خلاقیت

| همبستگی پیرسون | خلاقیت    |
|----------------|-----------|
| ضریب همبستگی   | ۰/۴۴۸     |
| جامعیت         | معنی‌داری |
|                | تعداد     |
|                | ۱۷۲       |

جدول ۳ نیز همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه‌ی جامعیت و خلاقیت را نشان می‌دهد. طبق داده‌های این جدول این دو متغیر دارای رابطه‌ای مثبت با یکدیگر بوده و با افزایش هر یک متغیر دیگر نیز افزایش پیدا می‌کند. مقدار این رابطه نیز ۰/۴۴۸ می‌باشد و با توجه به سطح معنی‌داری ( $p < 0/01$ ) می‌توان با اطمینان ۹۹٪ این رابطه را پذیرفت. برای قضاوت دقیق‌تر در رابطه با مقدار رابطه‌ی این دو متغیر از ضریب تعیین استفاده می‌نماییم که در مورد این دو متغیر برابر با  $r^2 = 0/200$  است، این مقدار ضریب تعیین بدین معنی است که دو متغیر جامعیت و خلاقیت دارای ۲۰٪ واریانس مشترک می‌باشند.

سؤال سوم پژوهش: آیا بین بعد تعمق و خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد؟

جدول ۴: همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه‌ی تعمق و خلاقیت

| همبستگی پیرسون | خلاقیت    |
|----------------|-----------|
| ضریب همبستگی   | ۰/۴۳۴     |
| تعمق           | معنی‌داری |
|                | تعداد     |
|                | ۱۷۲       |

جدول ۴ نیز همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه‌ی تعمق و خلاقیت را نشان می‌دهد. طبق داده‌های این جدول این دو متغیر دارای رابطه‌ای مثبت با یکدیگر بوده و با افزایش هر یک متغیر دیگر نیز افزایش پیدا می‌کند. مقدار این رابطه نیز ۰/۴۳۴ می‌باشد و با توجه به سطح معنی‌داری ( $p < 0/01$ ) می‌توان با اطمینان ۹۹٪ این رابطه را پذیرفت. به منظور قضاوت دقیق‌تر در رابطه با مقدار

رابطه‌ی این دو متغیر از ضریب تعیین استفاده می‌نماییم که در مورد این دو متغیر برابر با  $r^2 = 0/188$  است، این مقدار ضریب تعیین بدین معنی است که دو متغیر تعمق و خلاقیت دارای ۱۹٪ واریانس مشترک می‌باشند.

سؤال چهارم پژوهش: آیا بین بعد انعطاف‌پذیری و خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد؟

جدول ۵: همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه‌ی انعطاف‌پذیری و خلاقیت

| همبستگی پیرسون | خلاقیت    |
|----------------|-----------|
| ضریب همبستگی   | ۰/۴۰۵     |
| انعطاف‌پذیری   | معنی‌داری |
|                | تعداد     |
|                | ۱۷۲       |

جدول ۵ نیز همبستگی پیرسون به‌منظور تعیین رابطه‌ی انعطاف‌پذیری و خلاقیت را نشان می‌دهد. طبق داده‌های این جدول این دو متغیر دارای رابطه‌ای مثبت با یکدیگر بوده و با افزایش هر یک متغیر دیگر نیز افزایش پیدا می‌کند. مقدار این رابطه نیز ۰/۴۰۵ می‌باشد و با توجه به سطح معنی‌داری ( $p < 0/01$ ) می‌توان با اطمینان ۹۹٪ این رابطه را پذیرفت. به‌منظور قضاوت دقیق‌تر در رابطه با مقدار رابطه‌ی این دو متغیر از ضریب تعیین استفاده می‌نماییم که در مورد این دو متغیر برابر با  $r^2 = 0/164$  می‌باشد. این مقدار ضریب تعیین بدین معنی است که دو متغیر جامعیت و خلاقیت دارای ۱۶٪ واریانس مشترک می‌باشند.

همانطور که در سه بخش قبلی مشاهده نمودیم، بین خلاقیت و ذهنیت فلسفی رابطه‌ی قوی و معنی‌داری وجود دارد ( $r = 0/517$ ;  $p < 0/01$ )، اما سه جزء ذهنیت فلسفی یعنی جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری هم با خلاقیت دارای رابطه‌ی آماری معنی‌داری بودند. از بین این سه متغیر، متغیری که بیشترین رابطه را با خلاقیت داشت، متغیر جامعیت بود که دارای ۲۰٪ واریانس مشترک با خلاقیت بود و پس از آن بیشترین رابطه را تعمق و بعد هم انعطاف‌پذیری داشت.

سؤال پنجم پژوهش: آیا بین ابعاد ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد زنجان بر اساس رشته تحصیلی تفاوت وجود دارد؟

جدول ۶: آماره‌های توصیفی خلاقیت و ذهنیت فلسفی در رشته علوم انسانی و علوم پایه

| تعداد | میانگین | انحراف استاندارد | خطای انحراف استاندارد میانگین | علوم پایه   | علوم انسانی  |
|-------|---------|------------------|-------------------------------|-------------|--------------|
| ۸۳    | ۱۰۲/۸۵۵ | ۱۰/۶۹۶           | ۱/۱۷۴                         | علوم پایه   | خلاقیت       |
| ۸۹    | ۱۰۴/۳۵۹ | ۱۰/۷۱۱           | ۱/۱۳۵                         | علوم انسانی | خلاقیت       |
| ۸۳    | ۱۰۱/۳۰۱ | ۱۰/۵۶۴           | ۱/۱۵۹                         | علوم پایه   | ذهنیت فلسفی  |
| ۸۹    | ۹۹/۳۹۳  | ۱۱/۶۰۲           | ۱/۲۲۹                         | علوم انسانی | ذهنیت فلسفی  |
| ۸۳    | ۳۶/۷۵۹  | ۴/۸۰۷            | ۰/۵۲۷                         | علوم پایه   | جامعیت       |
| ۸۹    | ۳۶/۱۱۲  | ۴/۸۵۸            | ۰/۵۱۴                         | علوم انسانی | جامعیت       |
| ۸۳    | ۳۵/۸۳۱  | ۴/۶۳۵            | ۰/۵۸۰                         | علوم پایه   | تعمق         |
| ۸۹    | ۳۴/۷۷۵  | ۵/۲۳۲            | ۰/۵۵۴                         | علوم انسانی | تعمق         |
| ۸۳    | ۲۸/۷۱۰  | ۳/۹۱۸            | ۰/۴۳۰                         | علوم پایه   | انعطاف‌پذیری |
| ۸۹    | ۲۸/۵۵۰  | ۴/۰۴۲            | ۰/۴۲۸                         | علوم انسانی | انعطاف‌پذیری |

جدول ۶ آماره‌های توصیفی خلاقیت و ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری) در رشته علوم انسانی و علوم پایه را به صورت تفکیک شده نشان می‌دهد. طبق داده‌های این جدول میزان خلاقیت در شرکت کنندگان رشته‌ی علوم انسانی بیشتر از رشته‌ی علوم پایه است، اما ذهنیت فلسفی در شرکت کنندگان در رشته‌ی علوم پایه بیشتر می‌باشد. این برتری در مورد تمامی اجزای ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری) در شرکت کنندگان علوم پایه بیشتر از علوم انسانی است. اما حالا باید دید که این تفاوت‌ها واقعی است و یا ناشی از خطای نمونه‌گیری هستند. جهت رعایت این اصل و قضاوت بهتر در مورد تعمیم داده‌های تحقیق از آزمون استنباطی T مستقل استفاده می‌نماییم. جدول ۷ به مقایسه‌ی خلاقیت و ذهنیت فلسفی در رشته علوم انسانی و علوم پایه می‌پردازد. آزمون لوین گرفته شده در ستون اول این جدول جهت بررسی تعجانس واریانس گروه‌ها (علوم انسانی و پایه) در متغیرهای وابسته (خلاقیت و ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری)) آورده شده است. طبق داده‌های این آزمون واریانس متغیرهای وابسته در هیچ یک از سطوح متغیر گروه‌بندی با یکدیگر تفاوت معنی‌داری ندارد ( $p > 0/05$ ) و می‌توان از آزمون T با فرض تساوی واریانس‌ها استفاده نمود. مقایسه‌های انجام گرفته به وسیله‌ی آزمون T مستقل نشان می‌دهد که خلاقیت و ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری) در رشته علوم انسانی و علوم پایه با یکدیگر هیچ تفاوت معنی‌داری ندارد زیرا مقدار  $p > 0/05$  می‌باشد.

جدول ۷: مقایسه‌ی خلاقیت و ذهنیت فلسفی در رشته علوم انسانی و علوم پایه

| تفاوت میانگین‌ها | معنی‌داری | درجه آزادی | مقدار T | آزمون لوین |           | تساوی واریانس‌ها     | تفاوت        |
|------------------|-----------|------------|---------|------------|-----------|----------------------|--------------|
|                  |           |            |         | ضریب F     | معنی‌داری |                      |              |
| -۱/۵۰۴           | ۰/۳۵۸     | ۱۷۰        | -۰/۹۲۱  | ۰/۰۱۸      | ۰/۸۹۴     | تساوی واریانس‌ها     | خلاقیت       |
|                  | ۰/۳۵۸     | ۱۶۹/۱۹۸    | -۰/۹۲۱  |            |           | عدم تساوی واریانس‌ها |              |
| ۱/۹۰۷            | ۰/۲۶۲     | ۱۷۰        | ۱/۱۲۵   | ۰/۱۷۴      | ۰/۶۷۸     | تساوی واریانس‌ها     | ذهنیت فلسفی  |
|                  | ۰/۲۶۱     | ۱۶۹/۹۰۶    | ۱/۱۲۹   |            |           | عدم تساوی واریانس‌ها |              |
| ۰/۶۴۶            | ۰/۳۸۲     | ۱۷۰        | ۰/۸۷۷   | ۰/۲۱۰      | ۰/۶۴۸     | تساوی واریانس‌ها     | جامعیت       |
|                  | ۰/۳۸۲     | ۱۶۹/۳۹۵    | ۰/۸۷۷   |            |           | عدم تساوی واریانس‌ها |              |
| ۱/۰۵۶            | ۰/۱۶۴     | ۱۷۰        | ۱/۳۹۷   | ۰/۷۷۸      | ۰/۳۷۹     | تساوی واریانس‌ها     | تعمق         |
|                  | ۰/۱۶۲     | ۱۶۹/۵۶۱    | ۱/۴۰۳   |            |           | عدم تساوی واریانس‌ها |              |
| ۰/۲۰۵            | ۰/۷۳۶     | ۱۷۰        | ۰/۳۳۸   | ۰/۰۰۲      | ۰/۹۶۷     | تساوی واریانس‌ها     | انعطاف‌پذیری |
|                  | ۰/۷۳۶     | ۱۶۹/۷۴۲    | ۰/۳۳۸   |            |           | عدم تساوی واریانس‌ها |              |

سؤال ششم پژوهش: آیا بین ابعاد ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد زنجان بر اساس جنسیت تفاوت وجود دارد؟

جدول ۸: آماره‌های توصیفی خلاقیت و ذهنیت فلسفی در رشته علوم انسانی و علوم پایه

| تعداد | میانگین | انحراف استاندارد | خطای انحراف استاندارد میانگین | جنسیت | رشته         |
|-------|---------|------------------|-------------------------------|-------|--------------|
| ۶۸    | ۱۰۲/۶۳۲ | ۱۱/۱۶۴           | ۱/۳۵۳                         | زن    | خلاقیت       |
| ۱۰۴   | ۱۰۴/۲۸۸ | ۱۰/۳۸۶           | ۱/۰۱۸                         | مرد   |              |
| ۶۸    | ۹۷/۶۰۲  | ۱۱/۰۷۵           | ۱/۳۴۳                         | زن    | ذهنیت فلسفی  |
| ۱۰۴   | ۱۰۲/۰۸۶ | ۱۰/۸۴۳           | ۱/۰۶۳                         | مرد   |              |
| ۶۸    | ۳۵/۸۳۸  | ۴/۸۰۵            | ۰/۵۸۲                         | زن    | جامعیت       |
| ۱۰۴   | ۳۶/۸۰۷  | ۴/۸۳۱            | ۰/۴۷۳                         | مرد   |              |
| ۶۸    | ۳۳/۸۲۳  | ۴/۷۷۸            | ۰/۵۷۹                         | زن    | تعمق         |
| ۱۰۴   | ۳۶/۳۴۰  | ۴/۸۷۶            | ۰/۴۷۸                         | مرد   |              |
| ۶۸    | ۲۷/۹۴۱  | ۳/۸۴۳            | ۰/۴۶۶                         | زن    | انعطاف‌پذیری |
| ۱۰۴   | ۲۹/۰۳۸  | ۴/۰۱۴            | ۰/۳۹۳                         | مرد   |              |

طبق داده‌های جدول ۸ میزان خلاقیت در شرکت کنندگان مرد بیشتر از زن است، ذهنیت فلسفی نیز در شرکت کنندگان مرد بیشتر از زن می‌باشد. این برتری در مورد دو جزء از ذهنیت فلسفی (جامعیت و تعمق) در شرکت کنندگان مرد بیشتر از زن است. اما زنان به صورت میانگین بیشتر از مردان انعطاف‌پذیری داشتند.

اما حالا باید دید که این تفاوت‌ها واقعی است و یا ناشی از خطای نمونه‌گیری هستند. برای رعایت این اصل و قضاوت بهتر در مورد تعمیم داده‌های تحقیق از آزمون استنباطی T مستقل استفاده می‌نماییم. جدول ۸ به مقایسه‌ی خلاقیت و ذهنیت فلسفی در بین زنان و مردان می‌پردازد. آزمون لوین گرفته شده در ستون اول این جدول جهت بررسی تجانس واریانس گروه‌ها (علوم انسانی و پایه) در متغیرهای وابسته (خلاقیت و ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری)) آورده شده است. طبق داده‌های این آزمون واریانس متغیرهای وابسته در هیچ یک از سطوح متغیر گروه‌بندی با یکدیگر تفاوت معنی‌داری ندارد ( $p > 0/05$ ) و می‌توان از آزمون T با فرض تساوی واریانس‌ها استفاده کرد. مقایسه‌های انجام شده به وسیله‌ی آزمون t مستقل نشان می‌دهد که خلاقیت در بین زنان و مردان هیچ تفاوت معنی‌داری ندارد زیرا مقدار  $p > 0/05$  می‌باشد. اما ذهنیت فلسفی در مردان به صورت معنی‌داری بیشتر از زنان است ( $p < 0/01$ ). در بین اجزای ذهنیت فلسفی نیز تنها عاملی که باعث ایجاد تفاوت شده است، تعمق است و همانطور که در این جدول می‌بینیم تعمق بین زنان و مردان متفاوت بوده و مردان به صورت معنی‌داری تعمق بیشتری از زنان دارند ( $p < 0/01$ )، اما انعطاف‌پذیری و جامعیت زنان و مردان در این تحقیق تفاوت معنی‌داری با یکدیگر نداشت ( $p > 0/05$ ).

### بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه کلی اینکه با توجه به داده‌های جدول می‌توان پاسخ سؤال اصلی پژوهش را این چنین جواب داد که با توجه به سطح معناداری ( $p < 0/01$ ) می‌توان با اطمینان ۹۹٪ رابطه مثبت ذهنیت فلسفی با خلاقیت را پذیرفت، یعنی با افزایش هر یک از این متغیرها، دیگری نیز افزایش خواهد داشت. همچنین از تحلیل داده‌ها می‌توان چنین استنباط کرد که بعد جامعیت ذهنیت فلسفی رابطه بیشتری با خلاقیت دارد و ابعاد تعمق و انعطاف‌پذیری در مرتبه دوم و سوم با خلاقیت مرتبط هستند. ویژگی ذهن فلسفی در بعد جامعیت نگرستن به موارد خاص در ارتباط با زمینه وسیع، ارتباط‌دادن مسائل آتی به اهداف دراز مدت و به کار بردن قدرت تعمیم و شکیبایی در تفکرات عمیق است. استادانی که دارای ویژگی بعد تعمق هستند، نحوه تفکر خود را دگرگون ساخته و مسائل اطراف خود را قطعی نمی‌شمارند و همیشه به آنها با تردید نگاه می‌کنند و برای مسائل و امور تلویحی روش قیاسی را به کار می‌برند که این ویژگی‌ها باعث تقویت خلاقیت در آنها می‌شود. از آنجا که ویژگی‌های ذهنی در بعد انعطاف‌پذیری، رها شدن از جمود فکری و ارزش‌سنجی افکار بدون

توجه به منبع آنها و توجه به جنبه‌های گوناگون مسائل می‌باشد، استادان با داشتن ویژگی‌های ذهنیت فلسفی دید وسیعی نسبت به قضایا داشته و به امور و روابط فردی حساسند و از جمود فکری دور و در قضاوت‌ها از خود سعه صدر نشان می‌دهند که این شکیبایی در قضاوت‌ها باعث خلق ایده‌های جدید و نو (خلاقیت) می‌شود. استادان خلاق دارای ویژگی‌هایی هستند از جمله: اعتماد به نفس، کوشا در جهت رفع مشکلات، شجاع و جسور، دارای ایده‌ها و طرح‌های جدید، توجه به عقاید و نظرات دیگران و احترام گذاشتن به ایده‌های دیگران، همچنین ارتباط عمیق و صمیمی با دیگران برقرار می‌کنند. وجود چنین ویژگی‌هایی در استادان تأثیر مثبتی در روابط آنان با دانشجویان داشته و بی‌شک چنین استادانی، دانشجویان خلاق‌تری پرورش و به جامعه تحویل خواهند داد.

- سؤال اصلی دیگر پژوهش اینکه آیا بین ابعاد ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد استان زنجان بر اساس ویژگی‌های جنسیت و رشته تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد؟ مقایسه‌های انجام گرفته به وسیله آزمون T مستقل نشان داد که خلاقیت و ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری) در رشته علوم انسانی و علوم پایه با یکدیگر تفاوت معناداری ندارد. همچنین آزمون T مستقل با  $(p > 0.05)$  نشان داد که خلاقیت در بین زنان و مردان تفاوت معناداری نداشته، اما ذهنیت فلسفی در مردان به شکل معناداری بیشتر از زنان است. در بین اجزای ذهنیت فلسفی تنها عاملی که باعث ایجاد تفاوت شده تعمق است. مردان به شکل معناداری تعمق بیشتری از زنان داشتند، اما جامعیت و انعطاف‌پذیری زنان و مردان با یکدیگر تفاوت معناداری نداشت.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهشی که خانم فخرالسادات سیف هاشمی در سال ۱۳۸۳ به نام «بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت بین مدیران مدارس متوسطه شهر اصفهان» انجام داده، همخوانی دارد. بدین ترتیب که بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت مدیران نیز رابطه مثبت وجود داشته و بین ابعاد ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران با متغیرهایی مثل سن، خدمت، مدرک و رشته تحصیلی تفاوت معناداری مشاهده نشده است. اما، خلاقیت در بین مدیران زن بیشتر از مدیران مرد بوده است.

همچنین نتایج تحقیقات هاشمی به سال ۱۳۷۲ و بندلی زاده به سال ۱۳۷۶ نشان می‌دهد ذهنیت فلسفی بالا در افراد با کارایی آنان رابطه مثبت داشته و بر عملکرد آنان تأثیر گذار است. با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- یکی از بسترهای مهم برای ظهور، رشد و تقویت خلاقیت در هر جامعه‌ای حل دغدغه‌های استادان دانشگاه‌ها می‌باشد. این دغدغه‌ها را می‌توان در دو شاخص کلی مادی و معنوی تقسیم‌بندی کرد که هر یک از این شاخص‌های کلی در شاخص‌های جزئی‌تر قابل تقسیم به شکل زیر می‌باشد. برای شاخص شرایط بهتر مادی می‌توان به شاخص‌هایی مثل حقوق و مزایا، امنیت شغلی، تأمین و رفاه اشاره نمود. در شاخص‌های معنوی می‌توان به شاخص‌های جزئی‌تر مانند احساس رضایتمندی و مفید بودن و احساس منزلت اشاره نمود. طبیعی است بدون حل این دغدغه‌ها بخش عمده‌ای از وقت و دغدغه ذهنی استادان صرف این مسائل شده و از ظهور و تقویت خلاقیت جلوگیری خواهد نمود.

- فضای حاکم بر جامعه علمی کشور بایستی به گونه‌ای باشد که مبانی فلسفی حوزه‌های مطالعاتی را تقویت بخشد. بدین معنا که بایستی در همه حوزه‌های مطالعاتی دروسی در قالب مبانی و بنیادهای فلسفی آن دروس به‌طور علمی و جامع در همه سطوح تحصیلی به‌ویژه در تحصیلات عالی گنجانده شود، مانند فلسفه علم حقوق، فلسفه علم ریاضی، فلسفه آموزش و پرورش ...

- نظام آموزش عالی کشور بایستی از حالت متمرکز و سنتی به حالت غیرمتمرکز در بیاید. بدین معنا که در یک سیستم آموزش متمرکز که سرفصل‌های مشترکی برای همه استادان از پیش تعیین شده است، نباید انتظار چندانی از بروز و شکوفایی خلاقیت نمود. ولی نظام آموزشی غیرمتمرکز و اعطای آزادی عمل بیشتر به استادان امکان بروز و شکوفایی خلاقیت و برخورداری جامع، عمیق و انعطاف‌پذیر را در حوزه مطالعاتی و تعلیم و تربیت را فراهم می‌سازد.

- در هنگام گزینش و جذب استادان در مجامع دانشگاهی مؤلفه‌های ذهنیت فلسفی و خلاقیت باید مورد تأکید قرار گیرد و عملیاتی شود. می‌توان با تهیه و تدوین یک برنامه و طرح جامع و گنجاندن شاخص‌های این دو متغیر در جذب استادان برخوردار از ذهنیت فلسفی و خلاق توفیق به‌دست آورد.

- زمینه‌های بروز و رشد خلاقیت را در استادان فراهم آورده و در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت روش‌های پرورش خلاقیت را به آنها آموزش دهند.

- با انتشارات مقالات و نتایج تحقیقات انجام گرفته در زمینه خلاقیت و ذهنیت فلسفی در منابع اطلاعاتی، استادان را به اهمیت این دو مقوله آگاه سازند.

- استادانی که دارای ذهنیت فلسفی مطلوب و ایده‌های جدید و نو هستند، شناسایی شوند و آنان را به سایرین معرفی و تشویق نمایند.



منابع فارسی

- اسمیت، ف. (۱۳۸۲). ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی. مترجم محمدرضا بهرنگی، نشر تندر.
- اسحاقیان، م. (۱۳۷۲). بررسی میزان حاکمیت ابعاد روح فلسفی مدیران آموزش متوسطه شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.
- بندلی زاده، ن. (۱۳۷۶). تأثیر ذهنیت فلسفی بر کارآیی مدیران مدارس شهر دامغان. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.
- حجتی، ع. (۱۳۷۵). بررسی ارتباط خلاقیت و سطح ارزشمندی در دانشجویان مرکز تربیت معلم مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- خرقانیان، ع. (۱۳۷۲). بررسی رابطه ذهنیت فلسفی مدیران با روحیه معلمان آنان در شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.
- شریعتمداری، ع. (۱۳۷۷). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر.
- صمد آقایی، ج. (۱۳۸۳). خلاقیت جوهره کارآفرینی، انتشارات دانشگاه تهران.
- فرهنگ، ق. (۱۳۷۷). بررسی عوامل موثر بر خلاقیت مدیران شرکت روغن نباتی پارس در شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- میرکمالی، س. م. (۱۳۷۹). رهبری و مدیریت آموزشی. انتشارات یسپرون.
- هاشمی، س. ا. (۱۳۷۲). بررسی تأثیر ابعاد ذهنیت فلسفی بر چگونگی انجام وظایف مدیریت. پایان نامه کارشناسی ارشد در مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.
- هاشمی، ف. (۱۳۸۳). بررسی ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران متوسطه شهر اصفهان. فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۱، بهار.

منابع انگلیسی

- Ford, S. A. (1998). Factor Leading to Innovation: a study of Managers Perspective about Factor Creativity research Journal of Creativity, New York, No, 3. pp. 33 – 39.

- Kaiser, M. (1986).** *New York, McGraw Hill book company.*
- Mack Kinnon, D. W. (1962).** *The nature and nature of Creative talent.*  
Journal American Psychologist , No 13 , pp 98- 120.
- Michael, J .H. (1991).** *Problem Solving in business and Management.*  
London, chapman and Hall. Pp. 91.99.
- Smith, P. (1965).** *What is Philosophy education?* U.S.A. Mcmillan.

Archive of SID